



بازنمایش کوثر رضا علیا

پاسخی به چند پرسش پیرامون امام هشتم، زیارت و حرم

دکتر امیر سلمانی رحیمی

دکتر مرتضی انفرادی

محمد علی چنارانی

(گروه مطالعات فرهنگی زائر)

سلمانى رحيمى، امير، ۱۳۳۲ -
با زائران كوى رضا عليه السلام : پاسخى به چند پرسش پيرامون امام هشتم، زيارت و حرم -
مشهد: بنياد پژوهشهاى اسلامى، ۱۳۹۴.

ISBN 978-600-06-0012-9

۱۱۸ ص.

فيلپا.

الف. انفرادى، مرتضى، ۱۳۶۱ - ب. چنارنى، محمدعلى، ۱۳۳۸ - ج. بنياد پژوهشهاى
اسلامى. د. عنوان.

۳۸۵۴۲۳۹

کتابخانه ملی جمهوری اسلامى ايران



با زائران كوى رضا عليه السلام

پاسخى به چند پرسش پيرامون امام هشتم، زيارت و حرم

دکتر امير سلمانى رحيمى، دکتر مرتضى انفرادى، محمدعلى چنارنى

(گروه مطالعات فرهنگى زائر)

ويراسته گروه ويراستارى

چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۰۰۰ نسخه، رقى / قيمت ۴۱۰۰۰ ريال

چاپ و صحافى: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوى

بنياد پژوهشهاى اسلامى، مشهد: صندوق پستى ۳۶۶-۹۱۷۳۵

مراکز توزيع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنياد پژوهشهاى اسلامى: ۳۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاههاى كتاب بنياد پژوهشهاى اسلامى، مشهد: ۳۲۲۳۹۲۳، قم: ۳۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
زیارت.....	۱۰
شبهه.....	۱۲

فصل یکم

دو پرسش درباره امام هشتم.....	۱۷
پذیرش ولایتعهدی مأمون به وسیله حضرت رضا (ع)	۱۷
امام (ع) و خوردن میوه مسموم.....	۲۴

فصل دوم

زیارت و پاسخی به چند پرسش.....	۳۳
حرام و بدعت بودن زیارت اهل قبور!.....	۳۳
الف) دلیل فطری.....	۳۴
ب) دلیل قرآنی.....	۳۵
ج) دلیل روایی.....	۳۶
تبرک.....	۴۵
تبرک جستن و بوسیدن در و دیوار حرم.....	۴۶

- ۱- عرف ۴۸
- ۲- قرآن ۴۹
- ۳- سنت پیامبر ۵۰
- ۴- سیره اصحاب ۵۱
- در باره تبرک ۵۵
- توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام ۵۶
- اقسام توسل ۶۵
- شفاعت در پیشگاه خدا ۶۸

فصل سوم

- پرسش‌هایی پیرامون حرم ۸۳
- هزینه کردن برای حرم! ۸۳
- اقامه نماز در صحن‌های جدید ۸۹
- ساختن و توسعه مستمر حرم ۱۰۰
- فایده‌های ساختن بنا بر قبرها ۱۰۵
- دلایل مخالفان ساخت حرم برای بزرگان ۱۰۸
- کتابنامه ۱۱۳

پیشگفتار

در روایتی دل‌نشین از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمده است که: فرزندم در سرزمین خراسان، در شهری که آن را توس گویند، به شهادت می‌رسد، هر که او را زیارت کند در حالی که به حق او آگاه است، در روز رستاخیز دستش را می‌گیرم و به بهشتش می‌آورم

راوی گوید: گفتم، فدایت شوم، شناخت حق وی یعنی چه؟
فرمود: یعنی که بداند او، امامی شهید است که فرمان‌بری از او واجب باشد ...^۱

آگاهی دل از جایگاه بلند و معنوی امام، نتیجه معرفتی عمیق به امام است. همین معرفت است که زائر را برمی‌انگیزد تا گاه و بی‌گاه به زیارت امام خود، مشرف شود و در پناه حرمش، احساس امنیت کند و شاهد به بار نشستن شکوفه‌های یقین و ارادت در درونش باشد.

زائر عارف به حق امام می‌داند که امام معصوم، در زندگی و پس از

۱- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۹۰.

مرگ، او را می بیند و سلامش را پاسخ می گوید.^۱

زائر عارف به حق امام، به خوبی با زندگانی و سیره او آشناست. او می داند که امام، به دلیل برخورداری از ملکه عصمت، از هر گناه و خطایی به دور بوده، و همه کارها و سخنانش، حجت و خالی از هر عیب و کاستی است. چنان زائری، با تفکری عمیق در آنچه پیرامون زندگانی امام خود، و سیره او خوانده یا شنیده است، به این باور رسیده که امام نیز همچون پیامبر، نه سخنی بیهوده می گوید و نه کاری نابجا انجام می دهد، زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾^۲ یعنی: او از سر هوی و هوس سخنی نمی گوید.

حضرت امام سجاد علیه السلام شیعیان و دوستان این فرمان برادر دعا کرده و در تکریم ایشان از خداوند خواسته تا در دارالسلام، با ایشان باشند.^۳ بنابراین، انتظار می رود که شیعه و دوستان امام، او را در جایگاهی ببینند که فرمان بری از وی برایش آسان بوده، به بهره مندی از پادشاهی الهی باور داشته باشد.

اما این همه، مانع نیست تا او پاسخ پرسش هایی را از امام خود، بخواهد، زیرا چه بسیار از رفتارهای امام که همه یا بخشی از علت های آن را نمی داند یا گاه با برخی باورها یا شنیده هایش از ایشان، ناسازگار می نماید.

۱- اشاره به عبارت های «اذن دخول».

۲- نجم (۵۳): ۴.

۳- علی بن حسین علیه السلام، امام چهارم، صحیفه سجادیه، دعای چهل و هفتم (دعای آن حضرت در روز عرفة).

این گونه پرسش ها، از پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام کم نبوده است. شیعه همچون سربازی جان برکف، همه نیرویش را در اختیار فرمانده لایق و کارآزموده خود می گذارد، اما پس از پایان کارزار، راز برخی دستورها و کارهای فرماندهی را جويا می شود.

به عنوان نمونه، پرسیده شده چرا با توجه به آیه ﴿مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُفْخِنَ فِي الْأَرْضِ﴾^۱؛ (هیچ پیامبری را نزید که اسیرانی داشته باشد، مگر آنکه خون ناپاکان را بسیار بریزد [تا نیروهای کفر به ضعف گراید]) در جنگ بدر، شماری از افراد دشمن اسیر شده اند. آیا پیامبر ﷺ کاری خلاف دستور الهی انجام نداده و اینکه به جای کشتن کافران، آن ها را به اسارت گرفته و در برابر دریافت خون بها آزادشان کرده است، سزاوار نکوهش نبوده است؟

در پاسخ گفته شده که آن حضرت فرمان خدا را به یاران خود، رساند، اما آنان از اجرای فرمان سرتافته، گروهی از مشرکان را به امید گرفتن خون بها به اسارت درآوردند. بنابراین، خداوند، کار آن ها را تقییح کرده و مهر تأییدی بر فرمان پیامبر خویش زده است.^۲

نمونه دیگر، پرسش گروهی از یاران امام علی علیه السلام از ایشان است؛ در موضوع غنیمت برنداشتن، در جنگ جمل. آنان شبهه یا ابهام خود را

۱- انفال (۸): ۶۷.

۲- علم الهدی، علی بن الحسین، تنزیه الانبیاء، پژوهشی قرآنی درباره عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام، ص ۱۸۶.

چنین مطرح کردند: اگر کشتن آنان (اصحاب جمل) حلال بوده، غنیمت گرفتن از ایشان نیز حلال است و اگر جنگیدن با آنان حرام بوده، غنیمت گرفتن از آن‌ها نیز حرام خواهد بود، چگونه است که به ما فرمان دادی با آنان به جنگ درآییم و اسیری نگیری، اما دستور دادی غنیمتی ببرداییم و آنچه برداشته بودیم، بازگردانیم؟

حضرت علیه السلام فرمود: کدام یک از شما همسریامبر را به عنوان سهم خود، می‌گیرد!

این دو نمونه گفته آمد تا دانسته شود، باور به عصمت امام و تأیید الهی، مانع آن است که به آن وجودهای مقدس، گمان ناروا ببریم، اما با این همه، به ما اجازه داده‌اند درباره راز کارهایشان بدانیم و پرسیدن رانه تنها تقبیح نکرده‌اند، که سفارش نیز نموده‌اند.

براین اساس، نوشتار پیش رو فراهم آمده است. نگارندگان با استناد به پرسش‌های زائران حضرت رضا علیه السلام، شبهه‌ها و ابهام‌هایی را بررسی کرده‌اند که خواسته و ناخواسته، به ذهن زائر خطور می‌کند. این پرسش‌ها را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

نخست: پرسش‌هایی در پیرامون زندگانی و سیره امام هشتم علیه السلام، مانند: چرا امام علیه السلام ولایتعهدی حاکمی غاصب را پذیرفت؟ آیا سزوار نبود چونان جدّ خود، قیام می‌کرد و در مبارزه‌ای آشکار، حق خویش را مطالبه می‌خواست؟

گروه دیگر از پرسش‌ها و به تعبیری شبهه‌ها، فراوانی بیش‌تری دارد. ما در روزگاری به سر می‌بریم که اندیشه‌های کسانی چون ابن تیمیه، مروجانی

یافته است. آنان می‌کوشند، زیارت آرامگاه‌های مقدس را کاری شرک‌آلود بشناسانند و به شکل‌های گوناگون با آن مقابله و به تعبیر خود، مبارزه کنند. این مبارزه، هم در عرصه فرهنگ و رسانه، حضور و نمودی پررنگ یافته و هم در ساحت اجتماع، در شکل تخریب مکان‌های مقدس به چشم می‌خورد. برخی از پرسش‌ها و شبهه افکنی‌ها به این قرار است: چرا باید به زیارت قبور رفت؟ چرا ضریح و در و دیوار را می‌بوسیم؟

گروه سوم از پرسش‌ها به‌ویژه به زیارت امام هشتم علیه السلام مربوط می‌شود. به دیگرریان، این پرسش‌ها متوجه کسانی است که با حضور در اماکن متبرک رضوی، قصد زیارت حضرتش را دارند، نظیر اینکه: آیا اقامه نماز در صحن‌هایی که در دوره‌های مختلف به حرم مطهر افزوده شده، درست است؟ چرا برای حرم این قدر هزینه می‌شود؟

این کتاب می‌کوشد با نگاهی به این پرسش‌ها و شبهه‌ها، پاسخ‌هایی را ارائه دهد؛ پاسخ‌هایی کوتاه و مستند به منابع اصلی اسلامی و در عین حال ساده و فراگیر تا برای همگان قابل استفاده باشد و بتوانند به آسانی به پاسخ مورد نظر دست یابند و چنانچه با پرسش یا شبهه‌ای برخورد کردند با آرامش خاطر آن را مطرح کنند. باشد تا با لطف و عنایت خداوند، توفیق زیارتی عارفانه حاصل آید و از گذر آن، روح و جان، صفا پذیرد و با آراسته شدن به مکارم و فضایل الهی - انسانی، منشأ خیر برای خود و دیگر بندگان خدا شود.

آنچه مسلم می‌نماید، کتاب‌های زیادی در زمینه پاسخ‌گویی به شبهات زیارت منتشر شده، اما این نوشته با نگاهی خاص به زائران حرم

رضوی فراهم آمده است و امید می‌رود، زائران حضرت رضا علیه السلام با مطالعه آن پاسخی برای پرسش‌های خود بیابند.

در پایان، از همه خوانندگان عزیز و محترم درخواست می‌شود، دیدگاه‌های اصلاحی و تکمیلی خود را در اختیار گروه مطالعات فرهنگی زائر در بنیام پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی بگذارند. امید که بتوان کتابی، با کاستی‌های کمتر، به زائران و شیفتگان مکتب پراج اسلام پیشکش کنیم.

پیش از ورود به مطلب اصلی، شایسته است، تعریفی از زیارت و شبهه ارائه شود. مفهوم شناسی این دو عنوان به ما کمک می‌کند تا با فهمی مشترک، به موضوع اصلی که پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های زیارت است، بپردازیم.

زیارت

زیارت در لغت به معنای رفتن به مشاهده متبرک و بقعه‌هاست.^۱ در اصطلاح، به تمایلی می‌گویند که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده، نسبت به مزور و زیارت شونده با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد.^۲

آری، زیارت، نه پرستش مردگان بلکه دیدار زندگان است با چشم دل،

۱- فرهنگ معین، ماده ز.

۲- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳۱، ص ۳۱۹، ماده زور (قصده المزور اکراماً له و تعظیماً له و استیناساً به).

و پیوند روحی با ارواح طیبه آنان که زنده‌اند و آگاه.

درست است که با حضور زائر در حرم امام، زیارت حاصل می‌شود؛ اما حقیقت زیارت که پیوند روحی و دیدار شوق آمیز است، آن گاه تحقق می‌یابد که حالی باشد و مقالی، رازی و نیازی، و این پیدا نشود، مگر پس از شناخت امام و اهمیت زیارتش و معرفت داشتن نسبت به مقامات روحانی و کمالات معنوی آن برگزیده خدا.^۱

زیارت دیداری است مشتاقانه که با حضور بر تربت پاک پیامبران، امامان علیهم‌السلام و اولیای خدا انجام گیرد. یعنی ایجاد ارتباط و برقراری پیوندی در دل با امام و پیشوای معصوم و در واقع، تکریم و تجلیل از آنان که لحظه‌ای از اندیشه هدایت و ارشاد و تعلیم غفلت نداشته، به مدد الهی، سراسر عمر پربار خویش را در جهت تعلیم و ارشاد مردم به کار گرفته‌اند. زیارت، رفتن به سراغ اسوه‌ها و آماده ساختن روح برای بهره‌گیری از وجود پیشوایی معصوم است.

احترام به بزرگان دین، به ویژه معصومان علیهم‌السلام همچنان که در حال حیاتشان لازم است، پس از رحلت ایشان نیز ضروری می‌نماید. بزرگداشت بزرگان دین و زنده نگه داشتن یاد و خاطره آن‌ها موافق عقل و منطق است، همه عقلای دنیا برای بزرگان خود احترامی ویژه قائل‌اند. براساس به منابع شیعه و سنی، مسلمانان در طول تاریخ اسلام بر جواز؛ بلکه استحباب سفر زیارت قبور اجماع داشته‌اند. به عنوان نمونه، در سنن

۱- رکنی، محمد مهدی، شوق دیدار، مباحثی پیرامون زیارت، ص ۱۸.

ابن ماجه که یکی از منابع مهم و معتبر اهل سنت است، می خوانیم: «قبرها را زیارت کنید، زیرا آخرت را به یاد شما می آورد».^۱ نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: هر که قبر مرا زیارت کند، بر من واجب است او را شفاعت کنم.^۲

آری، زیارت در منظومه تفکر اسلامی، جایگاهی خاص دارد و یکی از برنامه های عبادی - سیاسی اسلام است که در مکتب تشیع، جلوه زیباتر و پرشکوه تری یافته است، اما عده ای به علت عدم تحلیل درست از مفهوم های دینی و بی توجهی به مبانی نظری آن، به بهانه شرک یا بدعت، به این کار عبادی تاخته اند. ویران کردن قبور ائمه بقیع و با خاک یک سان کردن آن ها از نمونه های برجسته جمودگرایی است. این نوشتار که با هدف پاسخ به برخی از شبهات مطرح شده درباره زیارت فراهم آمده است، می کوشد پرسش ها و شبهه هایی که در میان مردم رواج بیشتری دارد، بیان کند و به آن ها پاسخ دهد.

شبهه

از آنجا که معنای پرسش روشن است در این جستار به بیان آن نمی پردازیم. پرسش، بیشتر به جمله ای گفته می شود که گوینده از طرح و ایراد آن در پی دانستن مطلب یا حقیقتی است که پیش تر از آن آگاه نبوده

۱- ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن، ج ۱، ص ۵۰۰.

۲- دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، ج ۲، ص ۲۴۴، حدیث ۲۶۶۹.

است، مانند: نام شما چیست؟ تا کنون چند بار به زیارت آمده اید؟ و....
 اما شبهه، اصطلاحی با کاربردی کمتر نسبت به پرسش است. می توان
 گفت که از نشانه های شبهه و تفاوت آن با پرسش، آن است که گوینده
 قصد دارد با طرح آن، نکته یا مطلبی را بیان کند. شبهه افکن، کسی است
 که می کوشد با طرح پرسش هایی، به ویژه در حوزه عمومی دین، مخاطب
 خود را تحت تاثیر قرار دهد و از رهگذر آن، مطالب خود را با او القا کند.
 شبهه افکنان معمولاً، بی درنگ پس از طرح پرسش خود، مجموعه ای از
 پاسخ ها را مبتنی بر قیاسی نادرست اظهار می دارند، و چه بسا که به
 مخاطب خود، اجازه فکر کردن و طرح دیدگاهش را نمی دهند.

شبهه، پیش از آنکه به دنبال اثبات چیزی باشد، در پی تخریب
 باورهای مخاطب است. این، گام نخست به شمار می رود. به زعم شبهه
 افکن، نخست باید مخاطب را خلع سلاح کرد، او نباید چیزی برای دفاع
 داشته باشد و به دنبال آن، اینکه سخن و باور متدرج در متن شبهه را
 بپذیرد یا نه، اهمیت چندانی ندارد. هدف شبهه، خارج کردن سربازی از
 سپاه است. شبهه افکن با این کار، به مقصود خود، رسیده است، چه
 سرباز، به سپاه دشمن پیوندد و چه راه بیابان را در پیش گیرد و در وادی
 سرگردانی، گمراه شود.

اگرچه یادآوری و بازگویی آنچه در جنگ صفین اتفاق افتاد، تلخ و
 دردآور است. اما واکاوی حقایق آن نبرد، به خوبی، تأثیر شبهه افکنی را
 می نمایاند. شعار «لا حکم الا لله»، طرح این شبهه بود که: مگر ما برای
 قرآن نمی جنگیم، مگر دشمن ما با بالا بردن قرآن، از ما نمی خواهد تن به

حاکمیت قرآن دهیم؟ و آن شد که شد.

در اینجا نگاهی می‌کنیم به لغت نامه‌ها و فرهنگ‌های اصطلاحات، تا با مفهوم شبهه، بیشتر آشنا شویم.

پوشیدگی کار و مانند آن و امری را که در آن حکم به صواب و خطا نکنند شبهه گویند. گفته شده که شبهه، اسم است از اشتباه و آن در اموری است که جواز و حرمت و صحت و فساد و حق و باطل اشتباه شده باشد. جمع آن را، شُبُه و شُبُهَات دانسته‌اند.^۱

ایراد، اشکال، ایجاد تردید، به اشتباه انداختن و مسلم نبودن،^۲ سوء ظن، بدگمانی، مغالطه و سفسطه^۳ نیز از دیگر معانی به شمار می‌رود که برای شبهه ذکر شده است.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه علت نامیدن شبهه را این گونه بیان می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ». ^۴ (شبهه را از آن روی شبهه گفته‌اند که به حق شباهت دارد).^۵

براین اساس، می‌توان این مشخصه‌ها را برای شبهه برشمرد. شبهه،

۱- لغت نامه دهخدا، حرف ش.

۲- سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۰۳۷.

۳- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ماده ش.

۴- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، خطبه ۳۸.

۵- همو، نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، ص ۱۰۳، خطبه ۳۸.

شبهه حق است^۱ که قصد دارد طرف مقابل را به اشتباه اندازد. شبهه همیشه همراه دلیل مطرح می شود. مثلاً در شبهه ای که از سوی ابلیس درباره خلقت آدم مطرح شد، وی گفت: ﴿أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^۲ (اورا از خاک آفریدی و مرا از آتش) و آتش را بر خاک مزیت است و در شأن من نیست که به آدم سجده کنم.

اکنون که تا حدودی تعریف و ویژگی های شبهه روشن شد، تفاوت های سؤال و شبهه نیز روشن می گردد؛ برخلاف شبهه، سؤال عبارت است از درخواست معرفت یا آنچه موجب معرفت گردد. پرسش به قصد شناخت یا برای تعریف و تبیین است. اگر سؤال به قصد جدل هم مطرح گردد، باید دقیقاً مطابق موضوع خود باشد که در شبهه چنین نیست.

البته ممکن است گاهی سؤال به معنای طلب و خواهش پایین تر از بالاتر (از نظر موقعیت و مقام) باشد که معنای آن در این صورت نزدیک به معنای آرزو خواهد بود. با این تفاوت که آرزو در مورد مقدار اطلاق می شود و سؤال در مورد طلب و خواهش. سؤال را به معنای اعتراض و سائل را به معنای معترض نیز به کار برده اند. بنابراین، سائل (معترض) کسی است که حکمی را که مورد ادعای کسی است نفی کند، بدون اینکه دلیلی بر نفی خود بیاورد، و نیز سؤال یا اعتراض به تمام آنچه کسی ادعا کرده است

۱- معادیخواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، ج ۶، ص ۳۲۲۸.

۲- اعراف (۷): ۱۲.

اطلاق می شود.

شرط سؤال این است که مطابق موضوع خود، و نیز روشن و معقول باشد، زیرا در غیر این صورت، تبدیل به مغالطه می شود^۱ که شبهه خواهد بود.

تفاوت مهم دیگر سؤال با شبهه آن است که سؤال، عام تر از شبهه است و گاهی همراه دلیل و گاهی هم بدون دلیل مطرح می شود. اما چنان که گفته شد، شبهه همیشه همراه دلیل یا آنچه به ظاهر درست می نماید، مطرح می گردد.

www.ketaboon.ir